

دیار

فصلنامه فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی

فردوسي آفرينشنگر سرمایه نمادین



- با آثاری از:
- مظفر احمدی
 - محمد رحیم اخوت
 - نعمت الله اکبری
 - محسن رنانی
 - محمد سیاسی
 - فرزانه شرف الدین
 - نفیسه صدر ارحامی
 - محمد حسین صفاریان
 - مولود طلایی
 - سیاوش گلشیری
 - حسین ملایی
 - محمد علی موسوی فریدنی
 - فریدون وحیدا
 - امیر هریقتنی



سرمقاله / ۲

در پی تصمیم بانک مرکزی جمهوری اسلامی مبنی بر ساماندهی تعاوین‌های اعتبار آزاد در سطح کشور و تبدیل ...

حسین ملایی

فردوسي

آفرینشگر سرمایه‌های نمادین / ۳
سخن امروز ما در باب سرمایه‌های نمادین است. در این نشست می‌خواهیم تختست مفهوم سرمایه نمادین را معرفی ...

دکتر محسن رنانی

مدیریت ارتباط با مشتری / ۲۳

مهمنترين اصل و پایه در هر سازمان مشتریان آن هستند. مشتریان همواره در جستجوی عرضه‌کنندگانی هستند ...

فرزانه شرف‌الدین

از صندوق قرض الحسنه تا مؤسسه مالی و اعتباری / ۱۷

نتقا شایعه از اعتبارات خرد از سوی طیف وسیعی از اقشار جامعه با پاسخی شایسته از سوی سیستم ...

دکتر امیر هرتمانی

کودکان و آرزوهای شغلی / ۵۷

دoust داری در آینده چه کاره شوی؟ این سوالی است که همه شه کودکان با آن مواجه بوده‌اند. آیا ...

فاطمه سمیعی / علیرضا صادقیان

تجربه کشورها در

هدفمندسازی یارانه / ۳۷

این مطالعه بر تلاش کشور هندستان برای هدفمندسازی یارانه بندمداد نفت سفید برای استفاده ...

دکتر نعمت‌الله اکبری

گلدان کوچک شمعدانی / ۶۷

هنوز نیامده شستمان تندی خبرداش شد. از کجا؟ نمی‌دانیم! شاید از اندرونه جسمی خاموش که ذره ذره ...

سیاوش گلشیری

بررسی خصوصیات فردی، اجتماعی و شیوع ... / ۶۱

بیماری مالتیپل اسکلروزی (ام.این) یک بیماری مزمن با دوره‌های عود و فروکش بیماری است که با توجه به ...

تفیسهه صدر ارجامی

شعر / ۷۳

شب‌های من به موی سیاه تو می‌رسد هر صبح روشم به نگاه تو می‌رسد ...

محمدحسین صفاریان

سنگی بر گوری / ۷۱

داستان، هر داستانی، معمولاً از نگاه و زبان یک راوی روایت می‌شود. این راوی، چه اول شخص(من) باشد ...

محمد رحیم اخوت

سری بود نامی ز نام آواران / ۸۵

باید از دکتر محمد شفیعی / ۸۵
گلشن نام آواران اصفهان بی‌شك تنها باقیست که گل‌هایش از محنت خزان درامانتند. هر وقت که می‌روی ...

فریناز زرین‌مکان

ابوالقاسم پاینده، و جایگاه او در داستان کوتاه ایران / ۷۵

ابوالقاسم پاینده، نویسنده‌ای است که علی رغم تخیلی لطیف و طنزی به دور از کلیشه در داستان‌های ...

مولود طلایی

در سوگ استاد مهریار / ۹۰

گیرم شکست پشت زمستان، بهارکو سنبل کجاست، نرگس شب زنده‌دار ...

دکتر فریدون وجیدا

استاد مهریار

چهره همیشه ماندگار / ۸۷

استاد مهریار در سال ۱۹۹۷ هجری شمسی در خاندان علمای بحقی مسجدجامعی، زاده شد و از ابتدای ...

دکتر محمد سیاسی

آخرین درس / ۹۵

درباره استاد مهریار در این نوبت و فرست بسی کوتاه مجال چندانی نیست و اگر درباره تمام زندگی ...

محمدعلی موسوی فریدنی

مهرآموز کوچه کاویان / ۹۱

محمد مهریار از زمرة انسان‌های بود که زیرینایی و عمقی می‌اندیشید. این ادمها اهل هیاوه، جنجال برانگیزی ...

مصطفی احمدی دستگردی

سال هشتم، شماره بیست و پنجم، بهار ۱۳۹۰

مدیر مسئول:

حسین ملایی

جانشین مدیر مسئول:

دکتر سید ابراهیم جعفری

سردبیر:

مجید زهتاب

شورای نویسندگان:

دکتر نعمت‌الله اکبری، دکتر سید ابراهیم جعفری

جویا جهانبخش، سید‌محمد‌مود حسینی

دکتر سید محسن دوازده امامی، دکтор محسن رنانی

مجید زهتاب، دکتر عبدالحسین ساسان

دکتر مصطفی عmadزاده، دکتر محمد رضا نصر

دکتر گلپر نصری

مدیر داخلی:

مرجان منصوری

امور روابط عمومی:

فریناز زرین مکان

طرح روی جلد:

سپیده زهتاب

(برگرفته از شاهنامه بایستقری)

ISSN: 1735-8035

چاپ و نشر:

مؤسسه‌ی نشر دریچه نو

(۰۲۱) ۶۶۴۳۳۷۸۰ - ۱

بهای: ۳۰۰۰ تومان

مقالات ارسالی به فصلنامه، بازگردانه نمی‌شود.

فصلنامه، در ویرایش مطالب آزاد است.

نقل مطالب با ذکر مأخذ بلاامانع است.

آرای نویسنده‌گان لزوماً دیدگاه فصلنامه نیست.

اصفهان، خیابان ۲۲ بهمن، مجموعه اداری امیرکبیر، مؤسسه مالی و

اعتباری فردوسی، طبقه دوم، دفتر فصلنامه دریچه

امور مشترکین: (۰۳۱) ۶۶۷۲۱۵

www.daricheonline.com

E-mail: info@daricheonline.com

dariche.magazine@yahoo.com

مؤسسه مالی اعتباری فردوسی در راه

در پی تصمیم بانک مرکزی جمهوری اسلامی مبنی بر ساماندهی تعاونی‌های اعتبار آزاد در سطح کشور و تبدیل آن‌ها به مؤسسه مالی و اعتباری یا بانک خصوصی، در بین همه مجموعه‌های موجود، مؤسسه مالی و اعتباری فردوسی با شرایط خاص و ترکیب منحصر به‌فردی ایجاد شده است.

هشت تعاونی اعتبار به نام‌های

۱. عام کشاورزان استان مازندران.
۲. امید جلیل استان گلستان.
۳. دامداران و کشاورزان استان کرمانشاه.
۴. الهراء استان خراسان.
۵. بدر توپ استان خراسان.
۶. وحدت استان خراسان.
۷. پیوند استان خراسان.
۸. حسنات استان اصفهان.

حسین ملایی

این تعاونی‌ها با تأمین سرمایه اولیه، مؤسسه جدیدی را تشکیل دادند و با نظرارت و ارشاد مدیران ارشد بانک مرکزی، مقرر شده است که منابع و مصارف این تعاونی‌ها در مؤسسه‌ای جدید تجمعی گردد. پیشرفت کارهای اولیه، مبنی بر تأمین سرمایه، توجیه اقتصادی (Business plan) و اساسنامه آن، آماده و تحویل بانک مرکزی گردیده است. حسابرسان رسمی بررسی صورت‌های مالی و اموال این هشت تعاونی را آغاز و تعدادی از آن‌ها را نیز به پایان رسانده‌اند که در این کار، راه را برای تجمعی نهایی منابع و مصارف آن‌ها در مؤسسه جدید هموار می‌کنند.

منابع تقریبی تعاونی‌های موجود بیش از هفت هزار میلیارد ریال است که با هوشیاری و برنامه‌ریزی مدیران آینده فردوسی پشتونهای بزرگ برای حضوری اثر بخش در بهنه‌اقتصاد کشور است. در سال جاری، که مقرر است همه نگاه‌ها و اقدامات دولتمردان، شرکت‌ها، مؤسسات و سازمان‌های خصوصی و دولتی در جهت بهبود وضعیت اقتصادی کشور شکل گیرد می‌تواند نقش مؤثرتری بیابد. مدیران حوزه نظارت و ساماندهی و همچنین مدیران آرشد بانک مرکزی با همراهی و هدایت این مجموعه می‌توانند راه دشوار پیش رو را آسان و زمان آن را بیز کوتاه‌تر نمایند.

بدیهی است اراده جدی که هم اکنون در این تعاونی‌های تجمیعی به وجود آمده است سر انجام امید بخشی را نوید می‌دهد. از این فرصت باید حداقل استفاده را نمود و با تطبیق ضوابط و مقررات بانک مرکزی با اوضاع فعلی تعاونی‌ها، کارآیی آن‌ها را افزایش داد. این تعاونی‌ها که هم اکنون در حوزه‌های محدود فعالیت می‌کنند؛ در این مؤسسه جدید می‌توانند در سطح کشور این فعالیت را توسعه دهند. وجود ۲۴۴ شعبه فعال، نقطه قوت مجموعه محسوب می‌شود که مدیران آینده فردوسی با جایگاهی و توزیع درست آن در همه شهرها و شهرستان‌های کشور که هنوز شعبه‌ای ندارند در افزایش کارآیی مؤسسه مؤثر خواهد بود.

توسعه کشور در بخش‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی از یک طرف نیازمند نیروهای انسانی کارآمد و مجرب، دور اندیش و برنامه‌ریز ... می‌باشد و از دیگر سو نیازمند سرمایه است. کارهای عظیم زیر بنایی، سرمایه گذاری در بخش تولید، توسعه صنایع کوچک و بزرگ موجود، توسعه در بخش‌های مختلف بازارگانی داخلی و خارجی نیازمند به سرمایه‌های ریاضی فراوانی است.

کارآفرینان، مدیران کارخانه‌ها، مدیران صنایع و برنامه‌ریزان کارهای عمرانی کشور نباید منتظر تأمین سرمایه بمانند تا اندیشه‌های کارآفرینی آن‌ها عقیم بماند. با تگاهی به کشورهای در حال توسعه که این راه دشوار را طی کرده‌اند، می‌توان دریافت این کشورها نه تنها توanstه‌اند از تمامی منابع مالی داخل کشور به خوبی استفاده کنند، بلکه از منابع کشورهای خارجی از قبیل بانک‌های خارجی، شرکت‌های سرمایه‌گذاری خارجی، حتی از سرمایه‌داران خارجی بهصورت باز پس با هر طریق دیگر بهره جویند تا در نهایت راه توسعه عملیاتی و موفق ادامه یابد.

بنده فکر می‌کنم سرمایه‌های فراوانی چه بهصورت خرد و چه کلان در دست مردم است که این مؤسسات می‌توانند بهعنوان معتمدین مردم و امانتدار آن‌ها این منابع را در اختیار گیرند و با برنامه‌ریزی، مصارف آن‌ها را در اهداف فوق الاشاره به کار گیرند. نقدینگی بسیار حجمی که در کشور وجود دارد اگر به وسیله مؤسسات مالی و بانک‌ها جذب نگردد در اقتصاد کشور بهصورت سرگردان در هر مقطعی می‌تواند بحران آفرین باشد و هر از گاهی بخشی از اقتصاد کشور را با مشکل مواجه سازد؛ تقاضاهای کاذب به وجود آورد و با سوق دادن سرمایه به سمت آن باعث ایجاد گرانی و تورم گردد.

بر این باوریم تشکیل دهنده‌گان مؤسسه فردوسی با بیش از ۲۷۰۰ سهامدار می‌توانند در بهبود اوضاع اقتصادی کشور نقش مناسبی را بر عهده گیرند و با همت و تلاش آنان از یکسو و همکاری، مساعدت، راهنمایی و همراهی مدیران مختلف در بانک مرکزی، مخصوصاً توجه ویژه مدیران ارشد، خواهند تواست نقش قابل قبولی در توسعه کشور را به عهده گیرند.

ان شاء الله

فردوسی

آفرینشگر سرمایه‌های نمادین

سخنی در باب نقش سرمایه‌های نمادین در توسعه

محسن رنائی

دکترای اقتصاد، عضو هیأت علمی دانشگاه اصفهان

اشارة

این مقاله ویراسته و آراسته بخشی است که در ۱۴۰۹ مهر ۱۳۸۹ با عنوان «نقش سرمایه‌های نمادین در توسعه اقتصادی» توسط دکتر رنائی در جمع دانشجویان اقتصاد دانشگاه اصفهان ارائه شده است. از انجمن علمی دانشجویان اقتصاد دانشگاه اصفهان که متن سخنرانی ایشان را در اختیار مجله دریچه قرار داد صمیمانه سپاسگزاریم.

مانند فردوسی و محصولاتی که فردوسی‌ها تولید

سخن امروز ما در باب سرمایه‌های نمادین است. در این می‌کنند به عنوان سرمایه استفاده کنیم و به وسیله آن‌ها توسعه و رشد ایجاد کنیم. شاید در نگاه اول سؤال غریبی باشد. راستی آیا شاهنامه می‌تواند برای ما همچون یک کارخانه تولیدی باشد که سرمایه بیافریند و خلق ارزش اقتصادی کند؟ آیا فردوسی می‌تواند یک کارآفرین یا سرمایه‌دار ملی محسوب شود؟ پاسخ مثبت است. در در جامعه ایران بپردازیم و ببینیم ما چگونه می‌توانیم از نگاه مدرن اقتصادی همه این‌ها سرمایه‌اند و می‌توانند در خدمت رشد اقتصادی قرار گیرند. درواقع همه بزرگان و عرفانمان در مسیر توسعه اقتصادی بهره ببریم.

پیش از آنکه به تعریف سرمایه‌های نمادین بپردازیم لازم است مفهوم انواع سرمایه و چگونگی تبدیل آن‌ها به سرمایه نمادین و سپس چگونگی تبدیل سرمایه‌های نمادین به تولید و ارزش اقتصادی را روشن کنیم. در واقع سوال ما این است که چگونه می‌توانیم از کسانی به عنوان موتور محركه رشد اقتصادی عمل کند.

●● راستی آیا شاهنامه
می‌تواند برای ما همچون
یک کارخانه تولیدی باشد
که سرمایه بیافریند و خلق
ارزش اقتصادی کند؟ آیا
فردوسی می‌تواند یک
کارآفرین یا سرمایه‌دار
ملی محسوب شود؟ پاسخ
ثبت است. در نگاه مدرن
اقتصادی همه‌این‌ها
سرمایه‌اند و می‌توانند در
خدمت رشد اقتصادی قرار
گیرند ●●

برخی جامعه‌شناسان سرمایه سیاسی را هم مطرح می‌کنند. البته بوردویو تقسیم بنده اش بیشتر معطوف به سطح خرد و سطح فرد بوده است ولی ما در اینجا همه‌آن نوع سرمایه را در سطح کلان و در سطح جامعه مطرح می‌کنیم.
تا اینجا دریافتیم که اقتصاددانان و جامعه‌شناسان قرنی‌ها شانزدهم تا نوزدهم میلادی، توجه تمامی اقتصاددانان به‌طور عمده به سرمایه اقتصادی یا مالی معطوف بود. البته زمین و منابع و تجهیزات هم جزء سرمایه سیاسی را چون چندان مطرح نشده‌است، کنار می‌گذاریم. گرچه اکنون تمرکز بحث ما بر سرمایه‌های نمادین است؛ اما چاره‌ای نیست که پیش از آن سرمایه‌های چهارگانه دیگر رانیز معرفی کنیم.

سرمایه اقتصادی
در هر مورد ابتدا مثال فردی و خرد و سپس در حقق می‌شد و موجب خلق ارزش و افزایش بازده و کارآبی نیروی انسانی می‌شد. بنابراین دیگر نمی‌گفتند چه تعداد نیروی کار در تولید داریم، بلکه می‌گفتند چه مقدار سرمایه انسانی در تولید داریم. چراکه ممکن است یک کارخانه، هنر نیروی کار داشته باشد اما سرمایه انسانی اش از یک کارخانه دارای پنجاه نفر نیروی کار هم بیشتر باشد. طبیعی است که توانایی یک مهندس برای تولید و خلق ارزش‌های اقتصادی بسیار بیشتر از یک کارگر ساده است. بنابراین سرمایه انسانی یک مهندس بالاتر از سرمایه انسانی یک کارگر ساده است. این بحث‌ها در نیمه قرن بیستم شکل گرفت و تا پایان همان می‌خواهیم بدانیم که چیزی سرمایه است یا نه، باید بینیم دارای این دو کارکرد هست یا نه.

اما سرمایه سوم، سرمایه اجتماعی بود که نخست از سوی جامعه‌شناسان معرفی شد ولی در اواخر قرن بیستم اقتصاددانان به آن توجه کرده‌اند و اکنون بخش زیادی از ادبیات مربوط به سرمایه اجتماعی توسط اقتصاددانان تولید شده است. اما جامعه‌شناسان دو یا سه دسته دیگر از انواع سرمایه را نیز معرفی کرده‌اند. مثلاً پیر بوردویو جامعه‌شناس فرانسوی، سرمایه‌ها را به چهار دسته تقسیم می‌کند: سرمایه‌های اقتصادی یا مالی؛ سرمایه‌های فرهنگی؛ سرمایه‌های اجتماعی؛ و سرمایه‌های سمبلیک یا نمادین.

توانایی‌های فتی، تخصصی و علمی او است. سطح فردی، هرچه دانش یک فرد افزایش یابد، توانایی‌های فرهنگی اش افزایش یابد، هنرمند باشد، آداب معاشرت بداند، تاریخ را خوانده باشد، شعر بیشتری حفظ باشد... او سرمایه‌فرهنگی بیشتری دارد.

برای دیدار از مناطق تاریخی می‌آیند در واقع اقتصاددانان در کنار سرمایه فرهنگی، سرمایه انسانی را اضافه کرده‌اند که از سرمایه فرهنگی متمایز است. سرمایه انسانی توانایی‌های تخصصی و فنی و کارآمدی‌های فرد است که حاصل انباشت دانش و تجربه در اوست. هرچه فرد تحصیلات و تجربه‌اش در فعالیتها بالا رود و مهارت پیدا کند، توانایی و کارآبی او در فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی و تولیدی بالا می‌رود. وقتی فرد یک کارگر ساده باشد سرمایه انسانی او پایین است اما وقتی بر اثر تجربه زیاد، یک کارگر ماهر می‌شود سرمایه انسانی بالاتری دارد. همچنین وقتی به علت تحصیلات تبدیل به یک تکنسین و بعد از آن تبدیل به یک مهندس یا متخصص دیگر می‌شود، باز سرمایه انسانی او افزایش می‌یابد.

يعنى فرد در اصل یکنفر است ولی با کسب مهارت یا تخصص، بیش از یکنفر معمولی می‌تواند داشته باشد. برای مثال من به عنوان یک فرد و بهتنهایی ممکن است اتومبیل یا اموال مختلفی داشته باشم؛ یعنی سرمایه اقتصادی دارم. یا ممکن است باسواند باشم، شعر حفظ باشم یا شاعر، نقاش یا خطاط باشم، که در واقع سرمایه فرهنگی دارم. یا ممکن است متخصص باشم که به معنی سرمایه فرهنگی ما را هم می‌سازد. زمانی که یک فرد دانش بالایی دارد، هم نوعی اعتبار فرهنگی دارد که سرمایه محسوب می‌شود و به وسیله آن می‌تواند جلب منفعت یا اعمال قدرت کند، هم به وسیله آن می‌تواند در فعالیت‌های اقتصادی کارآمدتر باشد، پس سرمایه انسانی هم دارد.

بنابراین سرمایه انسانی که اقتصاددانان بیشتر بر آن تأکید می‌کنند و سرمایه فرهنگی که زمانی که صداقت می‌ورزیم، زمانی که با هم در جامعه‌شناسان بیشتر بر آن تأکید می‌کنند، با یکدیگر قربات و همپوشانی دارند و در جاهایی احزاب، انجمن‌ها و گروه‌های محلی مشارکت می‌کنیم، زمانی که قوانین رانندگی و سایر قوانین این‌هودو یکی می‌شوند. زمانی که دانش در کارخانه استفاده می‌شود، سرمایه انسانی می‌شود و زمانی که به عنوان مناسبات با انسان‌های دیگر استفاده می‌گیرد. می‌بینید که در اعتماد، مشارکت، یاری، صداقت... همواره باید دو طرف وجود داشته باشد. این را می‌گوییم سرمایه؛ چون وقتی شکل می‌گیرد،

سرمایه فرهنگی و سرمایه انسانی
نوع دیگر سرمایه، سرمایه فرهنگی است. در

●●● در میان سه سرمایه‌ای اقتصادی، انسانی و اجتماعی، مهم‌ترین سرمایه، سرمایه‌ای اجتماعی است. اگر سرمایه‌ای اجتماعی وجود نداشته باشد، سرمایه‌ای اقتصادی و انسانی نمی‌توانند خیلی مفید باشند ●●●

●●● زمانی که سرمایه اجتماعی به میان می‌آید انسان‌ها می‌توانند با هم کار کنند و وقتی انسان‌ها باهم کار کنند، ماشین‌آلات هم باهم کار کنند. ماشین‌آلات می‌کنند. ماشین‌آلات به تنهایی باهم کار نمی‌کنند، انسان‌ها هم به تنهایی باهم کار نمی‌کنند. سرمایه اجتماعی که باید انسان‌ها یاد می‌گیرند و می‌پذیرند که با هم کار کنند و سپس ماشین‌ها را با هم می‌اندازند ●●●

کارگران به یکدیگر اعتماد نداشته باشند. است از وضعیتی که در آن اخلاق بازی و قواعد دراین صورت هر کارگر پس از آنکه بخشی از می‌کند. بنابراین هرنوع بازی اجتماعی زمانی شکل اتومبیل را نصب کرد، برای تحويل آن به کارگر بعدی از او برگه رسید بخواهد. گاهی هم تحويل گیرید که سرمایه اجتماعی وجود داشته باشد. اگر سرمایه اقتصادی نباشد، مثلًا ورزشگاه مجتهد یا گیمنده می‌گوید من اول باید بررسی کنم که آیا فلان قطعه‌ای که نصب کردام، درست نصب شده زمین چمن خوب وجود نداشته باشد، آیا بازی شکل است یا نه؛ بعد رسید بدهم. دراین صورت بخش زیادی از وقت کارگران صرف رسید دادن و رسید گرفتن از یکدیگر می‌شود. ولی در عالم واقع این گونه همکاری، سرمایه اقتصادی مهم نیست. حتی اگر نیست. یعنی کارگر اول پس از آن که درهای خودرو را پرس می‌کند، آنرا برای بستن پیچ‌ها به روی نباشند هم مشکلی نیست؛ یعنی آن‌ها با هر سطحی میز کارگر بعدی می‌گذارد. چرا این کار را می‌کند؟ از مهارت که باشند بازی را راه می‌اندازند. پس برای چون بینشان اعتماد حکم‌فرمات و پذیرفتاند که در یک سازمان مشارکت کنند و قواعد سازمانی را رعایت کنند و با هم در جهت تولید خودرو همکاری مهمنم نیست. سرمایه انسانی هم مهم نیست. آنچه پس زمانی که سرمایه اجتماعی به میان می‌کند، مهم است و به شکل‌گیری بازی کمک می‌کند، سرمایه اجتماعی بازی است، یعنی اینکه همه افراد، باهم کار کنند ماشین‌آلات هم باهم کار می‌کند. ماشین‌آلات به تنهایی باهم کار نمی‌کنند، انسان‌ها هم به تنهایی باهم کار نمی‌کنند. سرمایه اجتماعی باشد و نظایر این شکل‌گیری بازی‌های اقتصادی نیز به همین صورت است. سرمایه اقتصادی مهم نیست، یا اینکه اهمیت آن کم است. پخش کردن پول، یا در یک ورزشگاه فوتبال، چمن، صندلی‌ها و تجهیزات ورزشگاه به مثابه سرمایه اقتصادی ورزشگاه کند. پول مانند روغنی است که به یک دستگاه هستند. همچنین بازیگران خبره و حرفه‌ای، مریبان بر جسته و مجموعه عوامل بازی، همه سرمایه‌های می‌زنیم. روغن فقط چرخدنده‌ها نمی‌شود. در اقتصاد هم انسانی بازی هستند. اما قواعد حاکم بر بازی، اخلاق، پول نقش روغن را دارد. باید ماشینی باشد، چرخ دنده‌ای باشد، موتور محركه‌ای باشد که بخواهد کار کند بعد روغن بزنیم تا راه بیفتند. در اقتصاد باید مردم بخواهند فعالیت کنند، خلاقیت داشته باشند، باهم قهر نباشند، طریقه تعامل با یکدیگر را بدانند، از دولت و رفتارها و سیاست‌های او نترسند، اعتماد وجود داشته باشد، امید به آینده از سوی تماشاگران ایرانی، تیم کره ورزشگاه را ترک کرد و از ادامه بازی منصرف شد. این نمونه بازی

نگرش‌سنجدی، اعتماد افراد نسبت به گروه‌های بیافرینند. مثلاً وقتی ما هر کدام در محله‌مان جدای از عمومی سطح بالا به معلمان و استادان دانشگاه به ترتیب حدود ۷۵ و ۶۵ درصد بوده است. نیز اعتماد سطح بالا به پژوهشگران و روحانیان به ترتیب حدود ۵۵ و ۳۸ درصد بوده است. همچنین اعتماد سطح محل تشکیل می‌دهیم، سرمایه اجتماعی بین ما بالا به قضات و مدیران دولتی به ترتیب حدود ۳۰ و ۲۰ درصد بوده است.

بنابراین سرمایه اجتماعی عبارت است از مجموعه مناسبات و شبکه روابط اعتمادآمیز و همیارانهای که بین افراد یک جامعه شکل می‌گیرد. در میان سه سرمایه اقتصادی، انسانی و اجتماعی، مهم‌ترین سرمایه، سرمایه اجتماعی است. اگر سرمایه اجتماعی وجود نداشته باشد، سرمایه اقتصادی و انسانی نمی‌توانند خیلی مفید باشند. مثلاً خواهیم یک کارخانه خیلی مدرن را باشند. پس زمانی که سرمایه انسانی هم مهم نیست. آنچه پس زمانی که سرمایه اجتماعی به میان می‌کند، مهم است و به شکل‌گیری بازی کمک می‌کند، سرمایه اجتماعی بازی است، یعنی اینکه همه افراد، باهم کار کنند ماشین‌آلات را خریداری می‌کنیم. آیا کارخانه ما به صرف این گونه خریدارها به راه می‌افتد؟ یعنی اگر ماشین‌ها را در یک ساختمان در کنار هم بچینیم و برویم آیا در آن ساختمان تولید انجام می‌شود؟ باید یک عده‌ای بیانند و با آن ماشین‌ها کار کنند تا کارخانه ما راه بیفتند. پس به عنوان سرمایه انسانی، بهترین متخصصان را از سطح دنیا است، اعتماد می‌کنیم. یا به پلیس به صرف پلیس بودنش، به روحانی به صرف روحانی بودنش و به پزشک به صرف پزشک بودنش اعتماد می‌کنم. بدون توجه به اینکه آن‌ها را می‌شناسم یا نه، در چون اولین کاری که باید صورت بگیرد این است که این آدم‌ها بتوانند با یکدیگر حرف بزنند. پس ابتدا باید زبان مشترک داشته باشند. دوم باید با یکدیگر جامعه، اعتماد عام است که سرمایه اجتماعی را بوجود می‌آورد. زمانی که من بتوانم به کسانی که نمی‌شناسم، اعتماد کنم و با آنان مشارکت و همکاری کنم، سرمایه اجتماعی شکل می‌گیرد. مثلاً در پیمایشی که با عنوان «سنجه ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان» در سال ۱۳۸۲ توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی انجام شده‌است، اعتماد عام مورد بررسی قرار گرفته است. براساس نتایج این نظرسنجی، تنها ۱۰ درصد مردم ایران داشته‌اند که به دیگران اعتماد زیادی دارند. در همین



برخی

سرمایه‌های نمادین
هم به شکل انسان‌ها
هستند؛ مانند افراد
مشهور، مراجع تقليد،
استادان، عالمان و
هنرمندان بر جسته.
این‌ها زمانی که
به مشاهیر تبدیل
شدن، سرمایه‌نامادین
می‌شوند

است «سرمایه نمادین» هم می‌شود. پس سرمایه‌های نمادین عبارتند از انواع سرمایه‌های اقتصادی، انسانی، فرهنگی و اجتماعی‌ای که به سمبول و نماد تبدیل شده‌اند و از طرف عموم مردم شناخته شده‌اند و چیزی به یک افتخار و نماد ملی تبدیل شده‌اند و چیزی از جنس احترام و افتخار در آن‌ها تبلور یافته است. یعنی زمانی که اسم آن‌ها را می‌شنویم، یا آن‌ها را می‌بینیم، احساس افتخار به ما دست می‌دهد. زمانی که یکی از سرمایه‌ها به سرمایه نمادین تبدیل می‌شود، ارزش آن بالاتر می‌رود. یعنی ارزش اولیه را دارد و یک ارزش نمادین نیز به آن افزوده می‌شود. مثلاً در سال‌های پس از انقلاب یک اتومبیل فیات به نمایش گذاشتند (نمی‌دانم هنوز هم آن جا هست یا نه). ارزش اسقاطی این اتومبیل امروز ممکن است چند صد هزار تومان باشد ولی آن اتومبیل اکنون یک سرمایه نمادین است، چون آن اتومبیل متعلق به مرحوم دکتر شریعتی استاد آن دانشکده بوده است. خود آن اتومبیل یک سرمایه اقتصادی، با ارزش ناچیز است؛ ولی چون متعلق به دکتر شریعتی است، توسط آن دانشکده به یک نماد تبدیل شده و یک سرمایه نمادین تولید کرده است. اگر چنین نکرده بودند، به شدت حال این اتومبیل مثل میلیون‌ها اتومبیل دیگر در گوشاهی پوسیده بود. اما کنون اتومبیل دکتر شریعتی یک سرمایه نمادین برای آن دانشکده یا حتی برای کل دانشگاه فردوسی مشهد شده‌است؛ یعنی علاوه بر ارزش چند صد هزار تومانی لاشه اتومبیل، ممکن است اگر آن را حراج کنند کسی حاضر باشد آن را چند صد میلیون تومان خریداری کند. پس این سال ۸۹ حدود دو میلیون و چهارصد هزار برگه چک جمعاً به مبلغ حدود یازده هزار میلیارد تومان برگشت خورده است. به همین ترتیب تعداد پروندهای دادگستری نسبت به جمعیت، در دو دهه اخیر صعودی بوده است. همچنین نسبت خودکشی به جمعیت، نسبت طلاق به جمعیت، نسبت اعتیاد به جمعیت، نسبت تخلفات رانندگی به جمعیت و... در دو دهه اخیر همه صعودی بوده‌اند. این‌ها شاخص‌ها و نشانه‌های این است که سرمایه اجتماعی در جامعه ما در حال تخریب است. به همین علت است که خیلی سخت می‌توانیم با یکدیگر فعالیت اقتصادی راه بیندازیم. هر هفته صدها شرکت تأسیس و همزمان با آن، صدها شرکت منحل می‌شود. تعداد زیادی از شرکت‌ها و همکاری‌های اقتصادی شروع می‌شوند ولی ادامه پیدا نمی‌کنند. بیشتر این‌ها ناشی از این است که سرمایه اجتماعی پایین آمده است. مشکل امروز ایران، عمدتاً کاهش و تخریب سرمایه اجتماعی است؛ یعنی اگر اقتصاد رشد نمی‌یابد، جهشی ندارد، سرعت نمی‌گیرد، اگر توزیع پول اثری بر تولید ندارد و اگر وام دادن استغال را بهبود نمی‌بخشد ناشی از این است که سرمایه اجتماعی وجود ندارد. متأسفانه در سالهای اخیر اعتماد بین ملت و دولت نیز به شدت تخریب شده است. دولت مؤثرترین عامل بر سرمایه اجتماعی است که رفتارش می‌تواند موجب تولید یا تخریب سرمایل اجتماعی شود. به نظر می‌رسد یکی از عوامل اصلی تخریب سرمایه اجتماعی در سال‌های اخیر در ایران، رفتار دولت بوده است.

سرمایه نمادی

اما سخن ما پیرامون سرمایه‌های نمادین بود. می‌خواهیم بینیم که نقش سرمایه‌های نمادین چیست؟ همان طور که گفتیم سرمایه چیزی است که به ما توانایی اعمال قدرت و جلب منفعت می‌دهد. زمانی که هریک از آن سرمایه‌های *چهار گانه* (اقتصادی، انسانی، فرهنگی و اجتماعی) به نماد تبدیل شوند و از طرف همه شناخته شوند، شهرت یابند، پذیرفته شوند و در میان جامعه رسمیت یابند آن سرمایه علاوه بر آن که سرمایه اقتصادی یا فرهنگی یا انسانی

در جامعه، رواج صداقت و دوستی و اعتماد در میان مردم و... نشانه بالا بودن سرمایه اجتماعی است. این ویژگی‌ها موجب می‌شود که مردم بتوانند با یکدیگر در شبکه‌های اجتماعی، مثل انجمن‌ها و نهادهای اجتماعی غیردولتی همکاری کنند. پس شبکه‌ها هم از شاخص‌های سرمایه اجتماعی هستند. در یک جامعه هرچه شکل‌گیری شبکه‌ها ساده‌تر باشد، سرمایه اجتماعی راحت‌تر تکثیر می‌شود و هرچه تعداد شبکه‌ها بیشتر باشد، نشانگر بالاتر بودن سطح سرمایه اجتماعی است. بنابراین هرچه سطح اعتماد و تعداد شبکه‌های اجتماعی مثل احزاب، انجمن‌ها و مؤسسات مردم‌نهاد، گروه‌های همیاری، گروه‌های پیش‌گذاری و... تأثیراتی بر اقتصادی انجام دهدند. پس از این تصمیم است که آن‌ها به پول نیاز پیدا می‌کنند. بنابراین زمانی که اکثر نیروهای خلاق و کارآفرین تصمیم به سرمایه‌گذاری خلاق ندارند و نمی‌خواهند سرمایه‌گذاری بلندمدت انجام دهند یا کارخانه‌ای بزرگ بسازند و فقط می‌خواهند کارهای کوچکی انجام دهند تا سرمایه‌هایشان را باد نبرد و ترجیح می‌دهند که سرمایه‌هایشان را در بانک بگذارند یا آن را به صورت طلا و زمین درآورند، نشانه آن است که سرمایه اجتماعی در چنین جامعه‌ای کافی نیست. حال ما هر چه پول و وام و سرمایه به اقتصاد ترزیق کنیم به جای جهش در تولید، تورم ایجاد می‌شود.

پس در نظام اقتصادی آن چیزی که حرکت را
امکان‌پذیر می‌کند و این امکان را فراهم می‌کند که
سرمایه انسانی و اقتصادی کنار هم کار کنند و تولید
محیط زیست، گروه‌های ورزشی و نظایر آن بالا باشد،
نشانگر این است که مردم تمایل به برقراری تعامل با
یکدیگر دارند و سرمایه اجتماعی بالاتر است.

ایجاد کنند، سرمایه اجتماعی است. به طور خیلی ساده می‌توانیم شاخص توسعه را سرمایه اجتماعی بگیریم. اصولاً بدون تحقق یا رشد سرمایه اجتماعی، توسعه شکل نمی‌گیرد، چون توسعه عبارت است از بدیل شده‌ای و چیزی از جنس احترام و افتخار در آن‌ها تبلور.

از ارتباط قانونمند و اعتمادآمیز و تعامل کم‌هزینه بازیگران اقتصاد با یکدیگر. این ارتباط و تعامل زمانی شکل می‌گیرد که رفتار مردم قانونمند و قانون محترم باشد. اخلاق رعایت شود و فساد در سطح پایین باشد که همه این‌ها به معنی سرمایه اجتماعی است؛ یعنی مجموعه ویژگی‌هایی که باعث می‌شود ما در جامعه براحتی و با کمترین هزینه، داد و ستد رفت و آمد هایمان خیلی با مشکل مواجه می‌شویم.

در سطح فردی و محلی، وقتی به یکدیگر پول قرض می‌دهیم و کمک می‌کنیم یا زمانی که یکی از ما در مسافت است، از خانه او مراقبت می‌کنیم، یا در مشکلات همیگر را یاری می‌کنیم و یا با یکدیگر ارتباطات شبکه‌ای داریم و شورای محله، گروه نقاشی، گروه موسیقی و انواع گروه‌های محلی یا دوستانه را تشکیل می‌دهیم، همه به معنی وجود سرمایه اجتماعی، است. در سطح اجتماعی، یا بین آمده است.

کلان اجتماعی نیز وجود احزاب و نهادهای مدنی، مؤسسه‌های خیریه، اعتماد به دولت، رواج قانون‌گرایی، بالا بودن نشاط و امید به آینده

● ● ● هرچیزی که به سرمایه نمادین تبدیل شود، ارزش سرمایه‌ای آن بالا می‌رود و منجر به جلب منفعت جدید می‌شود. پرچم یک کشور، متفکرین و هنرمندان بر جستهٔ کشور و آثار بر جستهٔ هنری، فرهنگی، علمی و فنی یک کشور، همگی می‌توانند سرمایه نمادین باشند.

نقاش به شهرت جهانی دست یافتند و تابلوهایشان هم جهانی شد، این تابلوها به سرمایه‌های نمادین تبدیل شدند. یعنی حالا وقتی این تابلوها را حراج کنیم، برای آن‌ها میلیون‌ها دلار قیمت گذاشته می‌شود. چرا؟! چون هم نقاش و هم خود نقاشی به سرمایه نمادین تبدیل شده است. حالا وقتی می‌گوییم تابلوی «عصر عاشورا» یا تابلوی «تالار آیینه»، همه می‌دانیم که منظورمان کدام هم می‌شود. پرچم یک کشور یا آرم جمهوری اسلامی یا آرم هواپیمایی ملی ایران، هما و... همچنین سرمایه‌های نمادین می‌توانند به شکل انسان‌ها باشند. بسیاری از سیاستمداران گذشته، امروز سرمایه نمادین ما هستند، مثل پادشاهان، و سایر سیاستمدارانی نظری امیرکبیر و مصدق، این‌ها قبلاً سرمایه سیاسی بوده‌اند که به سرمایه نمادین تبدیل شده‌اند. همچنین هنرمندان می‌توانند سرمایه‌های نمادین باشند؛ یعنی آن‌ها قبل از توریست‌ها به ایتالیا می‌روند تا این تندیس‌ها را ببینند. سرایه فرهنگی بوده و هنرشنان را داشته‌اند و به تدریج زمانی که شناخته شدند، مورد احترام واقع شده، شهرت یافته، محظوظ شده و به سرمایه نمادین تبدیل شده‌اند. مثلاً بزرگ‌ترین پرچم یک کشور، متفکرین و هنرمندان بر جستهٔ یک کشور و آثار بر جستهٔ هنری، فرهنگی، علمی و فنی یک کشور، همگی می‌توانند سرمایه نمادین باشند. بسیاری از نمادهای مذهبی، مانند آئمه یا حتی مقبره آن‌ها سرمایه نمادین هستند که از آن ارزش و سرمایه اولیه فرهنگی که پشت آن‌ها بوده گرفته شده است. یعنی ائمه اول یک سرمایه فرهنگی بوده‌اند بعد به یک سرمایه نمادین تبدیل شده‌اند.

أنواع سرمایه‌های نمادین
سرمایه‌های نمادین انواع مختلف دارند. کالاهای می‌توانند جزیی از سرمایه‌های نمادین باشند. نمونه آن اتومبیل به سرمایه تبدیل بشوند. در حالی که در کشورهای توسعه یافته، افراد بر جسته برآحتی می‌توانند به سرمایه نمادین تبدیل شوند. هرچه سرمایه‌های



تجربه سایر کشورها

زمانی که به شهرهای تاریخی ایتالیا بروید، می‌بینید که در هر میدانی یک مجسمه وجود دارد و در پایین آن تاریخچه‌ای از آن نوشته شده است. مثلاً در یک میدان، «تندیس داود» را قرار داده‌اند و میدان را به همان نام می‌خوانند. اما این تندیس، یک کبی از «مجسمه داود» است که در اوایل قرن شانزدهم میلادی توسط میکل آنژ تراشیده شد و اکنون در موزه آکادمی هنر ایتالیا قرار دارد. خوب حالا خیلی‌ها که به فلورانس می‌روند، در میدان داود در کنار تندیس داود که کپی مجسمه اصلی است عکس می‌گیرند.

بیینید چه رخداده است و چگونه از یک سرمایه فرهنگی زنجیره‌ای از سرمایه‌های نمادین تولید شده است.

ابتدا ایتالیایی‌ها میکل آنژ را که در قرن شانزدهم میلادی می‌زیسته است به جهان معرفی می‌کنند. چگونه؟ یک کشور بالا رفته است. یعنی ما خیلی ساده می‌توانیم سرمایه نمادین تولید کنیم، اما بر عکس اگر کسی هم تأسیس می‌کنند، بورسیه تحصیلی به نامش با کوشش خود به مرحله‌ای برسد که بتواند به سرمایه دوره‌های آموزش نقاشی سبک میکل آنژ می‌گذارد و... نمادین تبدیل شود معمولاً حکومت ما همراهی نمی‌کند و سعی می‌کند او را از سرمایه بودن و سرمایه شدن بیندازد درحالی‌که ما به سرمایه‌های نمادین برای توسعه کشور نیازمندیم و از بین بردن این سرمایه‌ها خسارت میکل آنژ انجام داده است، مثل مجسمه داود، مجسمه محسوب می‌شود.

پس برخی سرمایه‌های نمادین هم به شکل انسان‌ها هستند؛ مانند افراد مشهور، مراجع تقلید، استادان، عالمان و هنرمندان بر جسته. این‌ها زمانی که به مشاهیر تبدیل شدند، سرمایه نمادین می‌شوند. اخیراً گزارشی در مورد فرصت‌ها، امکانات و توانایی‌های استان کرمانشاه می‌خواندم. دیدم نام یکی از خوانندگان بر جسته کشور، یعنی استاد شهram ناظری را که امروز جزء مشاهیر ملی ما می‌دهد. اما کار به اینجا ختم نمی‌شود. ایتالیایی‌ها از آن استان آورده‌اند. کار درستی است. یعنی این هنرمند به همین نام نصب می‌کنند و میدان را به انواع جاذبه‌های دیگر، مانند آبنما و باغچه‌های زیبا و انواع مجسمه‌های افتخار رسیده به سرمایه نمادین تبدیل شده است و حالا کار درست همین است که این سرمایه نمادین را تقویت کنیم و حتی جهانی‌اش کنیم تا موجب جلب سرمایه‌های دیگر می‌آید و بعد هم پوسترهاز زیبایی از این میدان چاپ می‌کنند. حالا هر توریستی که به ایتالیا می‌رود، در این میدان عکس می‌گیرد و پوستر این میدان را خریداری می‌کند. بعد کم کم این پوسترها از توریست‌ها به کشورهای مختلف کنیم، ظرفیت جذب سرمایه و منفعت و قدرت اعمال نفوذ خودمان را بالا برده‌ایم. این کار خیلی ساده است و نیاز چندانی به هزینه کردن هم ندارد، فقط می‌کنند و کم کم میدان داود در همه جهان شناخته می‌شود. پس حالا میدان داود هم به یک سرمایه نمادین تبدیل می‌شود. می‌بینید که چگونه از یک سرمایه فرهنگی اولیه، زنجیره‌ای از سرمایه‌های نمادین تولید می‌شود که موجب جذب منافع زیادی به سوی ایتالیا می‌شود. و اکنون همین سرمایه‌های نمادین ایتالیا را به یکی از قطب‌های اصلی گردشگری در جهان تبدیل کرده است که سالیانه دهها میلیارد دلار درآمد ارزی برای ایتالیا دارد.

و البته اکنون ایتالیایی‌ها می‌توانند همچنان این زنجیره سرمایه نمادین را توسعه دهند. مثلاً می‌توانند یک رستوران زنجیره‌ای به نام میکل آنژ راهاندازی کنند و انواع غذاهای ایتالیایی را در سراسر جهان به فروش برسانند و کارهای دیگری از این دست. این همان کاری است که آمریکایی‌ها با مکان‌لند کرده‌اند. رستوران‌های مکان‌لند برای آمریکایی‌ها ابتدا یک سرمایه اقتصادی بوده است، ولی آن‌ها توансند آن را به سرمایه نمادین

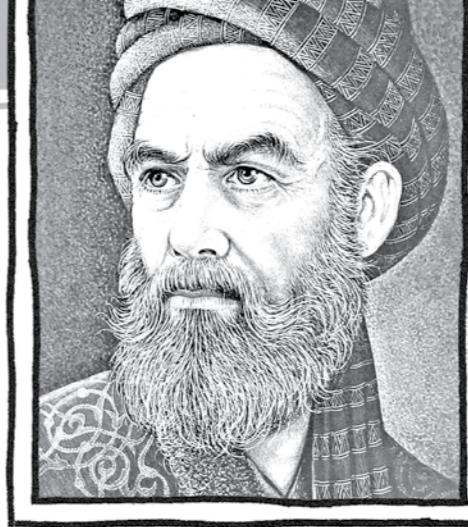
●●● همان‌گونه که
ترکیه مولوی را از ما
گرفت و جشنواره‌های
مولوی و بازآفرینی
مراسيم سماع سالانه در
ترکیه انجام می‌شود و از
تمام جهان گردشگران
و فرهیختگان را به
خود جلب می‌کند،
امروز تاجیکستان هم
دارد فردوسی را از ما
می‌گیرد و جشنواره‌های
فردوسی در آنجا برگزار
می‌شود ●●●

تبديل کنند و امروزه در بیشتر کشورهای دنیا شعبه دارد و منفعت جذب می‌کند. پس یکی از هنرها هر ملت و دولتی این است که بتواند سرمایه‌های اقتصادی، انسانی، فرهنگی و اجتماعی خود را به سرمایه نمادین تبدیل کند. این کار زیادی نمی‌برد و خیلی ساده است. یکی از کشورهای موفق در تولید سرمایه‌های نمادین، انسانی هم آوردن. آرام‌آرام تجمعی از سرمایه‌های انسانی و اقتصادی شکل گرفت. اما اکنون دیگر یک گام دیگر به جلو می‌رود و شروع به ساخت سرمایه‌های سمبولیک کرده است. دیگر هیچ سرمایه‌نمادینی نداشت، نه هنرمند، نه عالم شناخته شده و نه آثار تاریخی جهانی. اما کوشید تا از سرمایه‌های نمادین جهانی برای خودش سرمایه ایران) دارد. زمین‌اش شن و سوزان است(نه آب خوارکی نه آب کشاورزی). سرمایه انسانی هیچ نداشت. و مجموعه افرادی را دارا بود که بیشتر به خاطر پول نفت با رفاه زندگی می‌کردند ولی توانایی تخصصی نداشتند. دیگر به خاطر سهیم بودن در فروش نفت، توسط امارات سرمایه اقتصادی داشت. پس دیگر چیزی که از انواع سرمایه‌ها دارا بود، سرمایه اقتصادی(نفت) بود. دیگر در گام اول محیطی بسیار قانونمند و امن و پر اعتماد برای سرمایه‌گذاری ایجاد کرد. فرودگاه خوب زد، شهرک‌های صنعتی از نوع صنایع پاک زد، شهرک‌های مسکونی لب ساحل طراحی کرد و آرام‌آرام سرمایه‌های خارجی را با دادن امتیازهای ویژه در این شهرک‌ها جذب کرد. اما مهم‌ترین کار ایجاد یک فضای امن کسب و کار بود. قانونمندی دقیق امور و سطح بالای اعتماد بالا و ثبات و امنیت محیط باعث شد تا اعتماد سرمایه‌داران دنیا جلب شود. ابتدا سرمایه‌گذاران عرب و سپس از همه نقاط دنیا آمدند. پس دیگر ابتدا سرمایه اقتصادی داشت؛ اما کافی نبود و برای توسعه به سرمایه انسانی نیاز داشت. اول با همین سرمایه اندک اقتصادی، محیط و بسترهاي اقتصادي اولیه مثل فرودگاه و هتل و نظایر آن را ایجاد کردند و سپس یک دنیای قانونمند را با قوانینی شفاف، روش و ساده، اما جدی ایجاد کردند و این باعث شد که جامعه‌ای با سرمایه اجتماعی خیلی بالا شکل بگیرد. پس سرمایه‌گذاران دنیا به علت اعتمادی که پیدا کردند و این نمی‌کند، مالیات اضافی نمی‌گیرد، هر روز قوانین اش را عوض نمی‌کند و... آرام‌آرام به آنجا روی آوردن. پس دیگر ابتدا یک محیط اجتماعی جذاب، با سرمایه اجتماعی و متأسفانه در کشور ما بر عکس است. یعنی انبوهی از سرمایه‌های نمادین را داریم ولی آنها را از بین می‌بریم. یعنی محیط بازی را مساعد کرد، آنگاه سرمایه‌های مثلاً میک ورزشکار که در سطح ملی سرمایه سمبولیک اقتصادی از سراسر دنیا به سوی آنجا جذب شد.

چون تمام هزینه‌هایی که برای تولید این سرمایه نمادین مصرف شده است را اثر کرده‌ایم. هم که به طور بالقوه مستعد سرمایه شدن هستند با انواع تهمتها از بین می‌بریم. مثلاً کسانی مانند علی دایی و علی کریمی از بازیکنان فوتبال بسیار مستعدی بودند که می‌توانستند به سرمایه نمادین علی دایی و علی کریمی از بازیکنان تاریخی مان و شعر و عرفایی نظری مولوی، فردوسی، حافظ و تبدیل شوند؛ اما نحوه برخورد دولت با آنها سعدی نیز باز کنیم، اینها هر کدام خود، سرمایه نمادین هستند. یعنی فردوسی برای ما یک سرمایه نمادین است. در میان سایر کشورهای پارسی زبان برای این افراد ایجاد می‌کنیم آنها را از سرمایه بودن می‌اندازیم. یعنی خود ما با ایجاد مشکل برای نمادین دست و پا کند. مثلاً شروع به خاکبزدایی از داخل ساحل و ریختن آنها در آب و ساختن جزایر مصنوعی. با این کار ساحل دیگر ۶۰ کیلومتر به ۱۲۰۰ کیلومتر افزایش یافت. برخی از این جزیره‌ها را به صورت نخل ساخت و بعد در هر یک از شاخه‌های این نخل، یک خانه به یکی از سرمایه‌های سمبولیک جهانی، مثل هنرمندان و بازیگران فوتبال، هدیه کرد یا به قیمت ارزان در اختیار آنها قرار داد. دیگر با این کارش دارد خود جزیره‌های نخل را به یک سرمایه نمادین تبدیل می‌کند. مردم دنیا اول جزیره‌های نخل به علت اینکه مثلاً دیگر بکام فوتبالیست یا فلاں هنرپیشه در آنچا ویلا دارد، شناختند اما حالا کم کم خود جزیره‌های نخل دارد به عنوان یک سرمایه نمادین شناخته می‌شود. امروز باشکوهترین جشنواره‌های دنیا و بهترین نمایشگاه‌های محصولاتی مانند اتومبیل و کامپیوتور در دیگر می‌شود. دیگر به این وسیله باز سرمایه‌های نمادین بیشتری را جذب می‌کند. پس دیگر ابتدا یک محیط بازی خوب با سرمایه اجتماعی بالا ایجاد کرد، سپس سرمایه اقتصادی و انسانی جذب آنچا شد و حالا با تبدیل اینها به سرمایه نمادین، دارد کاری می‌کند که بتواند سایر فعالیتهایی که تابه‌حال به آنچا نمی‌آمدند را هم به آنچا بکشاند. بنابراین دیگر نمونه موفق از کشورهایی است که توانسته از طریق سرمایه‌های اجتماعی و سمبولیک سرمایه‌های اقتصادی و انسانی که دیدند آنچا دولت بی قانونی نمی‌کند، اموالشان را بلوکه نمی‌کند، مالیات اضافی نمی‌گیرد، هر روز قوانین اش را عوض نمی‌کند و... آرام‌آرام به آنچا روی آوردن. پس دیگر ابتدا یک محیط اجتماعی جذاب، با سرمایه اجتماعی و اعتماد بالا ایجاد کرد و تعامل و همکاری را ساده کرد؛ یعنی محیط بازی را مساعد کرد، آنگاه سرمایه‌های مثلاً میک ورزشکار که در سطح ملی سرمایه سمبولیک اقتصادی از سراسر دنیا به سوی آنچا جذب شد.

باشد، نداریم. حتی اعتبار برخی ورزشکارانمان را فردوسی، سرمایه نمادین ملی این بحث را می‌توانیم در باب بزرگان تاریخی مان و شعر و عرفایی نظری مولوی، فردوسی، حافظ و تبدیل شوند؛ اما نحوه برخورد دولت با آنها سعدی نیز باز کنیم، اینها هر کدام خود، سرمایه نمادین هستند. یعنی فردوسی برای ما یک سرمایه نمادین است. در میان سایر کشورهای پارسی زبان برای این افراد ایجاد می‌کنیم آنها را از سرمایه بودن می‌اندازیم. یعنی خود ما با ایجاد مشکل برای نمادین دست و پا کند. مثلاً شروع به خاکبزدایی از داخل ساحل و ریختن آنها در آب و ساختن جزایر مصنوعی. با این کار ساحل دیگر ۶۰ کیلومتر به ۱۲۰۰ کیلومتر افزایش یافت. برخی از این جزیره‌ها را به صورت نخل ساخت و بعد در هر یک از شاخه‌های این نخل، یک خانه به یکی از سرمایه‌های سمبولیک جهانی، مثل هنرمندان و بازیگران فوتبال، هدیه کرد یا به قیمت ارزان در اختیار آنها قرار داد. دیگر با این کارش دارد خود جزیره‌ای نخل را به یک سرمایه نمادین تبدیل می‌کند. مردم دنیا اول جزیره‌ای نخل به علت اینکه مثلاً دیگر بکام فوتبالیست یا فلاں هنرپیشه در آنچا ویلا می‌شود. امروز باشکوهترین جشنواره‌های دنیا و بهترین نمایشگاه‌های محصولاتی مانند اتومبیل و کامپیوتور در دیگر می‌شود. دیگر به این وسیله باز سرمایه‌های نمادین بیشتری را جذب می‌کند. پس دیگر ابتدا یک محیط بازی خوب با سرمایه اجتماعی بالا ایجاد کرد، سپس سرمایه اقتصادی و انسانی جذب آنچا شد و حالا با تبدیل اینها به سرمایه نمادین، دارد کاری می‌کند که بتواند سایر فعالیتهایی که تابه‌حال به آنچا نمی‌آمدند را هم به آنچا بکشاند. بنابراین دیگر نمونه موفق از کشورهایی است که توانسته از طریق سرمایه‌های اجتماعی و سمبولیک سرمایه‌های اقتصادی و انسانی که دیدند آنچا دولت بی قانونی نمی‌کند، اموالشان را بلوکه نمی‌کند، مالیات اضافی نمی‌گیرد، هر روز قوانین اش را عوض نمی‌کند و... آرام‌آرام به آنچا روی آوردن. پس دیگر ابتدا یک محیط اجتماعی جذاب، با سرمایه اجتماعی و اعتماد بالا ایجاد کرد و تعامل و همکاری را ساده کرد؛ یعنی محیط بازی را مساعد کرد، آنگاه سرمایه‌های مثلاً میک ورزشکار که در سطح ملی سرمایه سمبولیک اقتصادی از سراسر دنیا به سوی آنچا جذب شد.

●●● سرمایه‌های
نمادین اموال شخصی
افراد نیست، بلکه
منافع آن به کل جامعه
می‌رسد و سرمایه
محسوب می‌شوند
●●●



● ● ● اینکه امروز
می بینیم در میان
جوانان ما اقبالی
به سوی نقش‌های
تخت‌جمشید وجود
دارد، نباید ما را نگران
کند. تخت‌جمشید
امروز یک سرمایه
نمادین است و غیر
از جلب منافع مادی،
می‌تواند موجب جذب
و نگهداشت جوانان ما
باشد ● ● ●

فردوسي، با آفرینش شاهنامه درواقع کارخانه‌ای را تولید کرد که از درون آن می‌توان به انبوهی از سرمایه‌های نمادین دیگر دست یافت. زورخانه‌ها و قهوه‌خانه‌های سنتی ما در گذشته محل نمایش نگاره‌های شاهنامه و محل شاهنامه‌خوانی و نواختن موسیقی حماسی بوده است. خوب است همین دو نمونه بازسازی شود و به یک جاذبه یا سرمایه نمادین برای کشور تبدیل شود؛ به گونه‌ای که وقتی گردشگران خارجی می‌آیند یکی از درخواست‌های اصلی شان بازدید از یک زورخانه یا قهوه‌خانه سنتی با اجرای موسیقی حماسی شاهنامه‌ای باشد. آن‌گاه یک جاذبه ملی تازه برای جلب گردشگر و برای جذب منافع به وجود آورده‌ایم. راستی چرا ما سالانه نمادین تبدیل کردایم؟ و مهم‌تر از همه، کدام شخصیت شاهنامه را به سرمایه

حماسی آن نداریم؟

ضرورت تقویت سرمایه‌های نمادین
علوم نیست چرا از این سرمایه‌های فرهنگی بالقوه برای تولید سرمایه نمادین استفاده نمی‌شود. ظاهراً دولت‌های بعد از انقلاب نگران این بوده‌اند که این سرمایه‌های نمادین جانشین سرمایه‌های نمادین مذهبی شوند. معصومین و مقبره‌های آنان سرمایه‌های نمادین مذهبی هستند. احتمالاً یکی از نگرانی‌های دولت‌های بعد از انقلاب برای استفاده از سرمایه‌های نمادین ملی این بوده‌است که سرمایه‌های نمادین مذهبی تحت الشاعر قفار گیرند. ولی باید توجه کنیم که امروز به هر علتی، واگرایی‌هایی بین جوانان ما به وجود آمده‌است که این واگرایی‌ها باید کنترل شود و جاذبه‌های جدیدی برای آن‌ها به وجود آید. وقتی بخشی از جامعه از برخی سرمایه‌های نمادین روی می‌گرداند، باید سرمایه‌های نمادین دیگری باشند که به سوی آن‌ها روی بیاورد. پس ما باید سرمایه‌های نمادین جایگزین پیدا کنیم. اگر جایگزین پیدا نکنیم جوانانمان جذب سرمایه‌های نمادین خارجی می‌شوند. و جایگزینش همین است که ما امثال فردوسی، داستان‌های ایران باستانی، آثار باستانی، تاریخ تمدن کهن ایران و نظایر این‌ها را تقویت کنیم تا مرجع و محلی باشد که اگر جوانانمان از سرمایه‌های نمادین جاری راضی نیستند به سوی آن‌ها پناه ببرند و سرگشته نمانند.

اینکه امروز می‌بینیم در میان جوانان ما اقبالی به سوی نقش‌های تخت‌جمشید وجود دارد، نباید ما را نگران کند. تخت‌جمشید امروز یک سرمایه نمادین است و غیر از جلب منافع مادی، می‌تواند موجب جذب و نگهداشت جوانان ما باشد. دولت باید این را به فال نیک بگیرد و تقویت کند، نه اینکه با آن مبارزه کند. چراکه یکی از منافع سرمایه‌های نمادین همین است که می‌توانند خلاهای هویتی را پر کنند. می‌توانند امید ببخشنند. می‌توانند الگو باشند. می‌توانند احساس افتخار ایجاد کنند. می‌توانند موجب همبستگی اجتماعی شوند. می‌توانند در موقع

بیانند و مجالس نقالی و شاهنامه‌خوانی را بینند؟ کدام سریال تلویزیونی را براساس داستان‌های شاهنامه ساخته‌ایم؟ کدام کرسی دکتری فردوسی‌شناسی را تأسیس کرده‌ایم؟ کدام بورس تحصیلی را برای فردوسی‌شناسی در دانشگاه‌هایمان گذاشته‌ایم؟ کدام متخصصان فردوسی و شاهنامه را پرورش داده‌ایم؟ کدام داستان شاهنامه را به صورت پویانما (کارتون) برای کودکانمان ساخته‌ایم؟ کدام فرهنگ واژگان شاهنامه را به سیله آن زبان‌فارسی امروزی را غنی‌تر کنیم؟ کدام گرایش را در رشتة نقاشی برای شناخت و آموزش نگاره‌های شاهنامه‌ای قدمی و پرده‌های نقالي راه انداخته‌ایم؟ و مهم‌تر از همه، کدام شخصیت شاهنامه را به سرمایه نمادین تبدیل کرده‌ایم؟

شاهنامه به طور بالقوه یک کارخانه تولید سرمایه نمادین است. رستم، سهراب، کاوه آهنگر، سیاوش، جمشید، فریدون و دیگر شخصیت‌های اسطوره‌ای شاهنامه، هریک به طور بالقوه می‌تواند به یک سرمایه نمادین برای فارسی‌زبانان و ایرانیان تبدیل شوند. این‌ها شخصیت‌های باستانی و اسطوره‌ای هستند که هر کدام‌شان می‌توانست دست‌مایه‌ای برای تولید زنجیره‌ای از سرمایه‌های نمادین در کشور ما باشد.

دریغ نیست که در شهر مشهد که خاستگاه فردوسی و شاهنامه است، میدان آب و میدان برق داریم، اما میدان رستم، میدان کاوه، میدان سیاوش و میدان سهراب نداریم؟ راستی کدام یک از نوجوانان ما داستان سیاوش و پایداری و شهادت‌اش در راه حفظ ایران در مقابل توران را می‌داند؟ سیاوش شهیدی ملی و اسطوره‌ای است که می‌تواند به عنوان سرمایه نمادین در میان جوانان ما مطرح باشد.

خود شاهنامه نیز به عنوان یک سرمایه ملی در زبان فارسی مطرح بوده و هست و هنوز نظری ندارد. شاهنامه را بزرگترین رزنمانه جهان شناخته‌اند. شاید بتوانیم دو ذخیره عظیم را برای زبان فارسی در تاریخ چند هزار ساله ایران ذکر کنیم که زبان فارسی را حفظ کرده است. یکی شاهنامه فردوسی که سروden آن سی سال به درازا کشید و دیگری فرهنگ فارسی علامه دهخدا که تنها ده‌خدا چهل سال بر روی آن کار کرد. شاهنامه فردوسی نه تنها به عنوان منبع داستان‌های ایران باستان بلکه به عنوان مخزن واژگان فارسی است. شاهنامه خود می‌تواند یک سرمایه نمادین باشد. و مهم‌تر از شاهنامه، خود فردوسی است. زندگی فردوسی چقدر می‌تواند جذابیت داشته باشد و الگویی باشد برای یک عاشق ایران‌زمین. چه نمایش‌ها و فیلم‌ها و قصه‌ها که از زندگی فردوسی و از روی داستان‌های شاهنامه می‌توان ساخت. ولی کدام‌یک از این کارها روی زندگی فردوسی یا روی شاهنامه صورت گرفته است؟ ما می‌توانیم کپی‌هایی از شاهنامه بایسنقری را عین اصل تهیه کنیم و در تمام کتابخانه‌های مرکزی شهرها و دانشگاه‌هایمان در معرض دید جوانانمان قرار دهیم و از این طریق شاهنامه را به یک سرمایه نمادین ملموس تبدیل کنیم.

● ● ● شاهنامه به طور
بالقوه یک کارخانه
تولید سرمایه نمادین
است. رستم، سهراب،
کاوه آهنگر، سیاوش،
جمشید، فریدون و
دیگر شخصیت‌های
اسطوره‌ای شاهنامه،
هریک به طور بالقوه
می‌تواند به یک
سرمایه نمادین برای
فارسی‌زبانان و ایرانیان
تبدیل شوند ● ● ●

● ● ● جوامعی که خود
مردم مانع شکل‌گیری
سرمایه‌های نمادین
می‌شوند یا دولت
سرمایه‌های نمادین را
تخریب می‌کند، جوامعی
هستند که توان جلب
سرمایه و منفعت را از
بیرون خود ندارند و در
درون نیز منابع خود را
هدر می‌دهند

تبدیل شود لازم است سایر سرمایه‌های نمادین از بین بروند یا مانع تبدیل شدن سایرین به سرمایه نمادین شوند. اصولاً وقتی به جامعه آموختیم که سرمایه‌های نمادینش را به راحتی نابود کند یا نادیده بگیرد، آنگاه به آنها آموخته‌ایم که هر نوع سرمایه نمادین، حتی آن نوعش که مادوست داریم، را به راحتی نابود کند.

هرچه تنوع انواع سرمایه نمادین بیشتر باشد، بخش‌های بیشتری از جامعه انسجام می‌یابند و احساس هویت می‌توانند الگوی زیستی و منبع هویت‌بخشی برای مردم رسیدگی به کودکان طلاق یا برای آزادی زندانیان مالی راه بیندازد و یک موج اجتماعی ایجاد کند. این‌ها در عین حال می‌توانند اینکه جامعه‌ای باشد که شده‌است، هویت بهمی باشد. باید بتوانیم به جوانی که به هر علتی مذهبی نیست و با سرمایه‌های نمادین مذهبی ارتباط نمی‌گیرد و از آن‌ها تأثیر نمی‌پذیرد، به هر طرقی که شده‌است، هویت بهمی و او را نسبت به منافع جامعه پایبند کنیم. تنها راه این است که سرمایه‌های نمادین جایگزین داشته باشیم تا خلاصه همین اتفاق باشد که هر چیزی پیدا می‌کنند و آن را تبدیل به سرمایه فرهنگی اندکی می‌توان سرمایه نمادین بزرگی تولید کرد. برخی ملت‌ها سرمایه‌های فرهنگی چندانی ندارند ولی به هر بهانه‌ای چیزی پیدا می‌کنند و آن را تبدیل به سرمایه نمادین می‌کنند. جوامعی که خود مردم مانع شکل‌گیری سرمایه‌های نمادین می‌شوند یا دولت سرمایه‌های نمادین را تخریب می‌کند، جوامعی هستند که توان جلب سرمایه و منفعت را از بیرون خود ندارند و در درون نیز منابع خود را هدر می‌دهند.

این یک اشتباہ بزرگ در جمهوری اسلامی است که برخی گمان می‌کنند برای آنکه فردی به سرمایه نمادین

از صندوق قرض الحسنه تا مؤسسه مالی و اعتباری: فرصت‌ها و چالش‌ها

امیر هر تمدنی

دکترای اقتصاد و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد

- در تدوین این مقاله از نظرات آقایان دکتر محسن ربانی و دکتر نعمت الله اکبری اعضای محترم هیأت علمی دانشگاه اصفهان بهره برده شده است که بدين وسیله از آنان سپاسگزاری می‌شود.
- کلیه آمارهای ارائه شده در مقاله حاضر، برگرفته از سایت رسمی بانک مرکزی ج.ا.ا. می‌باشد.

مبتنی بر رویکرد روز بانکداری و عملیات مالی- اقتصادی است، این سؤال قابل طرح است که مرحله گذار در بازار غیرمتشكل مالی ایران از چه سازوکاری می‌تواند برخوردار باشد. بنابراین هدف این مقاله، پاسخگویی به چالش‌های با شرایطی نامناسب(نرخ‌های بهره بالا و...) به آفت بزرگی برای اقتصاد کشور ببدل شده است.

باتوجه به موانع بی‌شماری که در بازارهای متمرکز و غیر متمرکز مالی وجود دارد و نقشی را که بانک‌ها و نهادهای مالی نمی‌توانند نسبت به ارائه خدمات بر قشر کم درآمد ایفا کنند، رهیافت جدیدی در ادبیات فعالیت‌های مالی تحت عنوان بنیادهای مالی خرد شکل گرفته است.

این نوع نهادها، امکان دسترسی به خدمات مالی و غیر مالی را برای افراد کم درآمد که مایل هستند به منابع مؤثر بهصورت کلی و باتوجه به نحوه عملکرد می‌توانند در شش دسته طبقه بندی شوند.

مؤسسات مالی و اعتباری

مؤسسات مالی مختلفی تحت عنوان‌های گوناگون در ایران کار می‌کنند. برخی از این مؤسسات دارای مجوز فعالیت بوده و بعضی دیگر هنوز مجوز فعالیت از بانک مرکزی را دریافت ننموده‌اند. مؤسسات دارای مجوز دسترسی داشته و در توسعه فعالیت‌های اقتصادی آن‌ها کارساز باشد را فراهم می‌کنند.

جهت رسیدن به اهداف بنیادهای مالی خرد که

مقدمه

تقاضا برای اعتبارات خرد از سوی طیف وسیعی از اقشار جامعه با پاسخی شایسته از سوی سیستم مالی متشكل کشور مواجه نگردیده است. در نتیجه رواج بازار غیر رسمی با شرایطی نامناسب(نرخ‌های بهره بالا و...) به آفت بزرگی برای اقتصاد کشور ببدل شده است.

باتوجه به موانع بی‌شماری که در بازارهای متمرکز و غیر متمرکز مالی وجود دارد و نقشی را که بانک‌ها و نهادهای مالی نمی‌توانند نسبت به ارائه خدمات بر قشر کم درآمد ایفا کنند، رهیافت جدیدی در ادبیات فعالیت‌های مالی تحت عنوان بنیادهای مالی خرد شکل گرفته است.

این نوع نهادها، امکان دسترسی به خدمات مالی و غیر مالی را برای افراد کم درآمد که مایل هستند به منابع مؤثر بهصورت کلی و باتوجه به نحوه عملکرد می‌توانند در شش دسته طبقه بندی شوند.

1. بانک‌های تجاری اعم از دولتی و خصوصی: تعداد

